خبر

مردمی‌کردن رویکرد متفاوت جشنواره رضوی است

نشست خبری تشریح برنامه‌های بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع) و تشریح ویژه‌برنامه‌های «چله رضوی» دیروز در سالن جلسات مجتمع فرهنگی-هنری باغ زیبای تهران برگزار شد. در این نشست رسانه‌ای فرهاد قائمیان، مدیر بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع) در تشریح فعالیت‌های این رویداد فرهنگی هنری گفت: در مدیریت جدیدی که برای بنیاد امام رضا(ع) انجام‌گرفته، رویکردهای متفاوتی در بنیاد اجرایی شده که یکی از مهم‌ترین آنها مردمی‌کردن جشنواره‌های رضوی است. او با بیان این‌که سعی کردیم بلافاصله شوراهای سیاست‌گذاری جشنواره‌های مختلف را راه‌اندازی کنیم، افزود: اعتراف می‌کنم که در بخش روستایی و عشایری که در حوزه تئاتر و سرود متمرکز بود، شاهد اتفاقات حیرت‌آوری بودم. در این دوره از جشنواره سعی کردیم ماجرا را به سمتی هدایت کنیم که آثار راه‌یافته به بخش نهایی در شهرهای مختلف به مخاطبان ارائه شود. او در پایان با اعلام یک خبر درباره نمایشگاه خوشنویسی گفت: در تدارک برگزاری نمایشگاه خوشنویسی هنرمندان در جهان اسلام هستیم و امیدوارم هنرمندان عزیزمان در این عرصه افتخارآمیز باشند و بتوانیم شاهد برگزاری یک رویداد مهم باشیم. در این مسیر برگزاری رویداد آوای رضوی، جشنواره سرود رضوی از جمله همین بخش‌هاست.

بازوی اجرایی صهیونیست‌ها در جریان فیلمسازی و سریال‌سازی

پروژه جعل تاریخ شیعه

محمدحسین الوند
گروه فرهنگ و هنر

انسان همیشه به‌دنبال فضیلت‌هایی است که برای رسیدن به آنها از هیچ رذیلتی دریغ نمی‌کند. این شاید همان وسوسه میانبرزدن برای رسیدن به هدف جلوه کند اما درحقیقت همه‌چیز از یک معنا نشأت می‌گیرد و آن معنای امر رذیلانه است؛ فلسفه‌ای که نباید به اهداف و مقاصد و ارتباطش با امر رذیلانه تنزل داده شود. به‌عبارت ساده مقاصد شر تنها زاییده امر رذیلانه‌اند نه عامل تحریک آن در انسان؛ فلسفه‌ای که می‌تواند سرنخی برای کشف یک جنایت خاموش باشد؛ جنایتی که در واکنش به سریال پررمز و راز «حشاشین» تصمیم به نوشتن راجع به آن می‌کنم.

بگذارید به قرن‌ها پیش بازگردیم، دقیقا در هنگامه اولین چکاچک شمشیر در میدان جنگ‌های صلیبی. ریشه اولین تحولات امر رذیلانه در برخورد مستقیم را همین‌جا می‌شود رهگیری کرد؛ جایی که از هر دو جبهه درگیر جنگ، شالوده‌ای از شایعه و حقیقت درهم تنیده و به خورد دیگری داده می‌شود تا در رقابتی سهمگین هرکدام بتوانند نقشی صریح‌تر بر نمایندگی حق را ایفا کنند. شفافا منظور نظر نگارنده بحث راجع به احقاق حق در جبهه‌های جنگ‌های صلیبی نیست بلکه این دوره به‌عنوان مطلع بسیاری از دوغ و دوشاب‌های جعل حقیقت برای تاریخ‌سازی مدنظر است؛ چیزی که براساس مستندات و نقل تحلیلگران تاریخی در جبهه صلیبیون به‌عنوان امری سازمان‌یافته غیرقابل‌انکار است؛ امری که همان‌طور که گفته شد در دانش اطلاعاتی امروز اصطلاح سازمان‌یافته بر آن نهاده می‌شود؛ سازمان‌یافته به معنای استوار بر زیرساختی متشکل از روابط و دکترین طراحی شده مختص رسیدن به هدفی خاص در قالب عملکردهایی هماهنگ و هدفمند، جعلی سازمان یافته که طی آن پروژه از آن خودسازی هماره مفهومی مورد تاکید و مهم بوده است، ردپای این از آن خود کردن را می‌توانید از سرقت دانش جهان اسلام تا ربودن زمین‌های بومیان آمریکا و اشغال فلسطین تا همین امروز رهگیری کرد.

صلیبیون، از گذشته تا امروز

همان‌طور که گفته شد ریشه انتقال عادات و دکترین جرایم سازمان‌یافته غرب را می‌توان در اولین ابداعات صلیبیون دانست که در انتقالی سری و محرمانه از طریق تأدیب نسل اربابان بالادست سیستم فئودالی تا اروپای پیشامدرن و قلب تقدیس و توصیل قدرت مفسدانه آن یعنی بریتانیای کبیر طی طریق کرده است؛ بریتانیایی که براساس اطلاعات و مطالعات خاص و عام پدر معروف استعمار نوین نام می‌گیرد، جزیره‌ای که آفتاب غصبی‌اش بر آسمان خیلی‌ها تابیده و می‌تابد. مدینه فاضله اول فضایی را تصور کنید که فشار هژمونی نوخاسته اسلام چنان معادلات پیشین جهان غرب را درنوردیده که عملا طبقه اشراف و روحانیت مسلط بر امور دست به فروپاشی از درون زده است و جذام فساد گسترده در این طبقه گریبان جنگ و انتقال نیرو و ثروت به میدان را گرفته است. شرایطی مملو از فلاکت، رسوایی و مرگ. در یک سو جریان قدرت پنهان کلیسا در فرهنگ دالانی و زیرزمینی خویش و در سوی دیگر اربابان اشراف‌زاده تشنه حفظ قدرت که سال‌ها در فساد و تجمل و توحش بی‌رقیب فئودالی ریشه دوانده‌اند. ماحصل ترکیب این دو با هم چیزی شد که جهان امروز را براساس تسلط بر جریان ثروت و رسانه می‌چرخاند؛ جریانی که براساس موارد ژئوپلیتیکی و منابع مورد نیاز و البته نقش بی‌چون و چرای امپراتوری بریتانیا از ابتدا در جغرافیای فرهنگ صلیبی، تمرکز حساسی را در بریتانیا تشکیل داد، به گونه‌ای که بریتانیای اروپای پیشامدرن و گذر کرده از عصر صلیبی عملا قرارگاه اصلی غرب و مدینه فاضله جریان صلیبیون برای فرماندهی و ارسال سیاست‌ها شد. جریانی که بعدها در انگلستان ثانی به آمریکا به‌عنوان مدینه فاضله دوم نگاه کرد و در آخرین تکمله خود، اسرائیل را بر خاک‌های اشغالی بنا نهاد؛ جریانی حاکم متشکل از اربابان و روحانیون مسلط که تجربه سال‌ها خونخواری و البته رویارویی با مسلمانان و از آن خودسازی بسیاری از منابع همچون دانش‌های عینی و غیرعینی، علوم ماده و فراماده توانستند به تمکنی بیش از پیش دست یابند؛ جریانی که اروپای مدرن را پایه‌ریزی کرد و جهان خاصه خویش را در قالب همان حکمیت آمرانه زیرزمینی و چند لایه کلیسا که فضایی مبهم و مرموز را ایفا می‌کرد بنا نهاد. جهانی که به رسم عتیق صلیبیون واقعیتش مرکبی از حقیقت و دروغ است تا بتواند حقیقت القایی خود را جایگزین حقیقت واقع کند. جایی‌که حقیقت واقع در نقابی اجباری از تئوری توطئه گم می‌شود و جایش را حقایق القایی و سطحی مد نظر اربابان می‌دهد.

چرا حشاشین؟

در پاسخ آن‌که چرا در واکنش به سریال حشاشین این نوشته را نوشته‌ام، باید تصریح کنم که حشاشین مصداق کاملی از همان چیزی‌ست که از آن به‌عنوان پروژه از آن خودسازی و جعل حقیقت در راستای تاریخ‌سازی نام بردم؛ سریالی که بر مبنای مفاهیم خاصه جریان قدرت غرب و با بودجه مستقیم صهیونیست‌ها در سینمای به اصطلاح مصر ساخته و پرداخته می‌شود؛ اثری که ماحصل همان رفتار سازمان‌یافته در جهت میل به خواسته‌های معین است، محصولی که در شش ماه از آب و گل در می‌آید و میلیون دلاری خرجش کرده‌اند. شاید از خودتان بپرسید چرا سینمای مصر؟ باید در جواب بگوییم که مصر و جریان‌های خفته در خاک غرب و نظم نوینش در آن پیوندی دیرینه با یکدیگر دارند که ریشه در عقاید کابالیستی و پروژه ایجاد رشته‌های عقایدی غرب براساس تاریخ مصر دارد. در حقیقت تاریخ باستانی مصر و ماوراءالنهر به‌عنوان بستری مورد علاقه و مهیا از نظر پتانسیل برای ریشه‌گذاری عقاید جدید و انحرافی تاریخ‌سازی شده مد نظر جریان قدرت غرب مورد توجه است؛ موضوعی که صحبت راجع به زوایا و ابعاد آن در حوصله بحث فعلی نمی‌گنجد. بنابراین مصر به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نقاط سرمایه‌ریزی جریان قدرت در منطقه ماوراءالنهر محسوب می‌شود؛ جغرافیایی که براساس گزارشات اطلاعاتی دارای چندین و چندشاخه فعال به‌عنوان بازوی جریان غرب است؛ جایی که به‌راحتی می‌تواند بهترین نقاب برای ساخت اثری هدفمند باشد.

تصویرسازی از حسن صباح بر اساس چهره ابوبکر البغدادی، در جهت نسبت دادن این گروه تروریستی به فرهنگ ایرانی است

سریع‌السیر بودن ساخت چنین پروژه‌ای ردپای دیگر مختص جریان قدرت است؛ جریانی که ارباب بی‌چون و چرای رسانه، مبدع و مرسل آن است و در شش ماه پروژه حاضر و آماده تحویل مارکتش می‌دهد.

حشاشین چه می‌خواهد؟

باورتان بشود یا نه، تنها ابزار برنده غرب همین رسانه است. شاید از نظرتان ساختن یک سریال برای ایجاد رفرنس تاریخی امری مجهول و نامعقول باشد اما کافی است نگاهی به اطراف‌تان بیندازید، جایی که منبع اطلاعات کودکان‌مان به جای کتاب و تحقیق و تفحص و آن همه زحمت که معمولا نیاز به علم تحلیل دیتا و دانستن چندین زبان دارد، می‌شود گوگل و انیمیشن و سریال، انتظار دارید ۲۰ سال بعد آنچه در ذهن‌ها می‌ماند و در تاریخچه سرچ موتورهای جست‌وجو بالا می‌آید، نگاه زاویه دید تحلیلگران راستین مایه با سواد باشد یا تصاویر مهیج و دیتای مانده از امثال حشاشین؟ بنابراین انکار آن‌که رسانه یگانه تیغ برنده جریان غرب برای تفهیم مفاهیم خویش و تاریخ‌سازی است امری محال است، جایی که پروژه جعل حقیقت در حشاشین پا روی مفاهیمی از جنس تاریخ نظامی و تاریخ شیعی ایرانی می‌گذارد. از چریک نخبه تا داعشی متوحش آنچه در جعل تاریخ نظامی ایران و مفهوم اخص رزم ایرانی در حشاشین بر آن تلاش شده، خط زدنی عمدی بر نام ایران به‌عنوان اولین مبدع جنگ چریکی در جهان و تنزل آن به امر تروریستی است، جایی که براساس مستندات مطالعاتی نیروهای تادیبی حسن صباح نیروهایی زبده، نخبه و مقید به اصول اخلاقی شیعی بوده‌اند، نیروهایی که زهد و ریاضت پایه اصلی آموزش‌های ایشان بوده است، نیروهایی که در جهت مأموریت‌های سری و سخت خود حتی از تزویج هم سر می‌پیچیدند تا آمادگی روحی و جسمی خویش را شبانه‌روز در جهت مأموریت‌ها حفظ کنند، حالا این را بگذارید در برابر عیاشانی چاقو به دست که حشاشین برای‌تان تصویر می‌کند که تمام خواست و طلب‌شان زن و زیور و شراب و مخدر است. جالب‌تر روایات ساختگی انگلیسی‌زبان‌های تاریخ‌نویس و جهانگرد است؛ همچون فیتزجرالد و مارکوپولوی جعلی که آن‌قدر دروغ می‌گویند که نمی‌توانم همه‌شان را یک‌جا برای‌تان نقل کنم، از ربط دادن نیروهای صباح به نام غلط حشاشین به معنای دون‌مایه بگیرید تا ربط دادن خود کلمه حشاشین به کسانی که حشیش مصرف می‌کردند تا به دل خطر بزنند، فارغ از این‌که گذشته از منابع مسلم و صحیح راجع به تاریخ پربار ایران نباید نادیده گرفت که حسن صباح و نیروهایش ایرانیانی بودند برخاسته از روحیه ضداستعماری و آزادیخواه که علاوه بر آن مقیدات شیعی نیز داشته‌اند، همان‌طور که در تاریخ نظامی ایران حتی در شاهنامه از زبان رستم می‌خوانیم که روهام را به‌دلیل باده به‌دست بودن مورد شماتت قرار می‌دهد و مرد رزم را ننگ می‌داند که دست بر عیاشی برد؛ حال اینها را بگذارید کنار آزادیخواه بودن و شیعه بودن‌شان که نقل مسلم است که بسیار زاهد بوده‌اند، علاوه بر اینها کدام عقل سلیمی می‌پذیرد که چنان مأموریت‌های دشواری را بشود یک عده لات عیاش نشئه انجام داده باشند، مأموریت‌هایی که به استناد تاریخ لرزه بر اندام حاکمان خونخوار انداخته بود. پس آنچه در سریال موهوم حشاشین پیگیری می‌شود؛ جعل این حقایق است که ایران اسلامی مبدع اولین واحدهای چریکی نخبه در جهان است، جعل این حقیقت که ایران اسلامی نقشی بی بدیل در تاریخ نظامی جهان و تولید سیاست‌های چریکی داشته و دارد، نقشی که همچنان ایران به‌عنوان طراح جنگ و معمار بی‌بدیل موازین بدیع جنگ چریکی در جهان بازی می‌کند و غرب سعی در وصله‌زدن آن به نیروهای دمپایی به‌دست خود، چون داعش و جیش‌العدل و امثالهم دارد و از طریق جعل تاریخ سعی بر آن دارد ایران را مبدع تروریست‌های عیاش و متوحش معرفی کند.

سریع‌السیر بودن ساخت چنین پروژه‌ای ردپای دیگر مختص جریان قدرت است؛ جریانی که ارباب بی‌چون و چرای رسانه، مبدع و مرسل آن است

داعش، دکترین شکست‌خورده جریان قدرت

جالب اینجاست که بدانید پروسه تأمین و تجهیز گروهک‌هایی همچون داعش و دیگر گروه‌های تروریستی یک از اصلی‌ترین دکترین جریان قدرت علیه قدرت چریکی ایران در خاورمیانه و جهان بود که نه‌فقط نتوانست نقش خود را ایفا کند، بلکه چنان آتش کبریتی زیر نسیمی ملایم از شیرپچه‌های ایرانی در خاورمیانه خاموش شد، پروسه‌ای که قرار بود برای ما قد علم کند اما همان‌قدر که غرب را تخریب کرد، قدرت‌نمایی ما را بالا برد، حربه‌ای که چنان توسط قدرت معادله‌چینی ما در میدان خفه شد که تمام اهدافش در خاورمیانه محدود و به بهانه فعالیت پایگاه‌های آمریکایی، پروسه‌ای که منجر به توقف غرب در استراتژی‌های تدوینی خود شد و باعث گردید غرب تن به جنگ غزه در اسرائیل بدهد تا شاید بتواند اهدافش را از آن طریق پیش ببرد که باز هم در خطای محاسباتی‌شان با سد ایران و سیلی محکم بعدی در قالب وعده صادق روبه‌رو شدند، چیزی که آنها را در بازی پیچیده‌تر از پیش انداخت. داراماتیزه‌ای که رنگ و لعاب جاعلان است. مجموعه حشاشین که محصولی میلیون دلاری و حاصل همکاری چندین کشور با یکدیگر است که همچون دیگر محصولات رسانه غرب در پس رنگ و لعاب اکشن و هیجان و کیفیت تصویربرداری‌اش آنچه می‌خواهد را با دمل‌های چرکینش به خورد مخاطب می‌دهد، خوراندنی که حتی مخاطب عامه هم متوجه حس بد و لزجش می‌شود، اثری که غلو می‌کند و دروغ‌های صد من یک غازش را در پس صحنه‌های عاشقانه و اکشن‌های مهیج و توفانی پنهان می‌نماید.

برش

چرا زبان عربی و چرا رمضان؟

جالب این است که جریان غرب تصمیم گرفت این اثر را با زبان عربی و در ماه رمضان برای مخاطب عرب پخش کند، یعنی در زمانی که بیشترین تمرکز بر اثر از جانب مخاطبی که با فرهنگ ایرانی بیگانه است وجود دارد، امری که منجر به مورد توجه قرار گرفته شدن و پسندیده شدن اثر و همچنین اسم در کردن آن می‌شود، حال آن‌که بیش از نیمی از جماعت عرب زبانش می‌توانند وهابی‌هایی باشند که خصومتی گره خورده با ایرانی شیعه دارند که حتی در صورت فهمیدن دوغ و دوشاب سریال خوش‌شان هم می‌آید که لجنزار به تصویر کشیده شده توسط غرب را به تماشا بنشینند و تبلیغش کنند که خود امری حساب شده در جهت توفیق عمل آنهاست. آنچه می‌ماند حقیقت است. لجاجت شاید بزرگ‌ترین خصیصه جریان قدرت باشد. از هرچه بگذرند و هرچه بخواهند خودشان را پنهان کنند لجاجت‌شان با نظم هستی را نمی‌توانند پنهان کنند، لجاجتی که منجر به این می‌شود که هرچه می‌بینند آخر تیرشان به سنگ می‌خورد و به استناد آیه صریح قرآن مکر خدا بر مکرهای‌شان فائق می‌آید. باز هم عبرت نمی‌گیرند و چنانچه قرآن می‌فرماید انگار که از خشم دست بر گلوی خویش انداخته‌اند. همچنان در لجاجت خود حیرانند و این حیرانی آنها را باز می‌دارد از آن‌که بفهمند تاریخ ایرانی-اسلامی را با رسانه و بازی تصویر نمی‌توان به گیجی کشاند، چراکه ما همچنان ایستاده‌ایم و میدان امروز گویای آن چیزی است که ما و آنها در چنته داریم. میدانی که رستم تیغ به دست ماییم و توران بازی‌انداز که فردوسی از آنها بسان شیون‌کنان شوی مرده یاد می‌کند آنها، حالا شما بگویید هیبت رستم پیروز است یا بازی اندازی آنها....

قاب

فیلمی درباره شکست بزرگ آمریکا

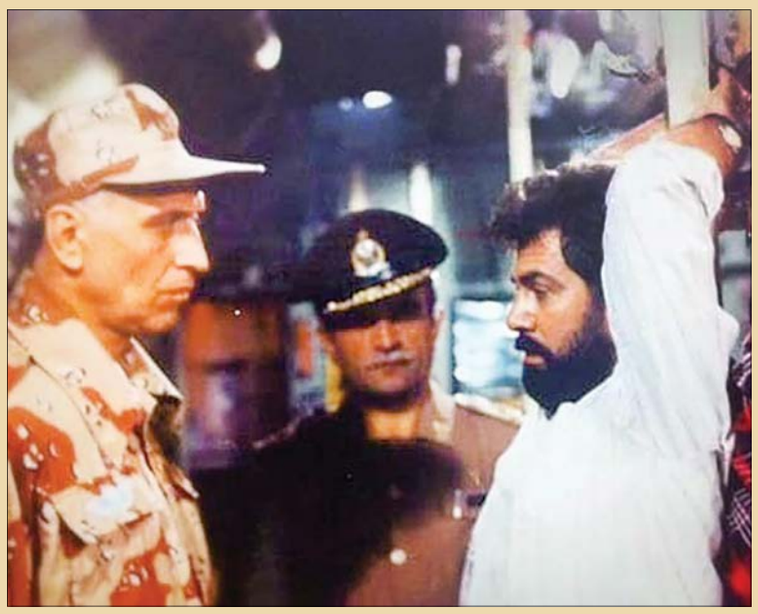

امروز سالروز شکست حمله نظامی آمریکا در طبس است. مهم‌ترین فیلمی که در این خصوص در سینمای ایران ساخته شده است، «توفان شن» به کارگردانی جواد شمقدری و نویسندگی شمقدری و سعید سهیلی محصول سال ۱۳۷۵ است. پس از تسخیر سفارت آمریکا، مقامات آمریکایی تصمیم می‌گیرند برای آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در ایران دست به اقدام نظامی بزنند. یک مأمور مخفی پنتاگون راهی ایران می‌شود تا مقدمات این حمله را مهیا کند. حمله نظامی آغاز می‌شود اما توفان شن صحرای طبس حوادث دیگری را رقم می‌زند. احمد نجفی، فیروز بهجت‌محمدی، حسین انصاری، مهشید افشارپناه و... جزو بازیگران این فیلم هستند.

رویداد

فرش قرمز کن زیر پای رسول‌اف

رویکرد جشنواره‌های اروپایی به مطرح‌کردن فیلم‌هایی از ایران که به‌صورت غیرقانونی ساخته شده و در آن تضاد و عناد با مردم ایران و اعتقادات‌شان بروز و ظهور علنی دارد، در سال‌های اخیر شکلی عیان به خود گرفته است و جشنواره فیلم کن پیشقراول مطرح‌کردن این‌گونه فیلم‌هاست. در حالی که فهرست نخستین آثار پذیرفته‌شده در جشنواره امسال، نشان از عدم حضور هیچ فیلمی از ایران داشت، دست‌اندرکاران جشنواره تصمیم گرفتند رویه سال‌های اخیر خود را پیگیری کنند و باز هم به فیلمی که یک فیلمساز دارای محکومیت ساخته، مجالی برای مطرح‌شدن بدهند. نشریه ایندی‌وایر به نقل از روایتی از انتخاب و افزوده‌شدن تعداد دیگری فیلم به فهرست آثار بخش مسابقه جشنواره کن خبر داد و براساس این خبر عنوان شد که فیلم «دانه‌های انجیر مقدس» ساخته محمد رسول‌اف در جشنواره کن امسال حضور خواهد داشت. رسول‌اف پیش از این با فیلم‌های «دست‌نوشته‌ها نمی‌سوزند» و «لرد» (با عنوان خارجی «مرد صداقت») در بخش نوعی نگاه جشنواره کن حضور داشت. این فیلمساز در سال‌های اخیر به‌دلیل اتهامات امنیتی به زندان افتاده بود و یکی از فیلمسازان محبوب رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی است.

اکران

«پرویزخان» راهی اکران برخط شد

فیلم سینمایی «پرویزخان» به نویسندگی و کارگردانی علی ثقفی و تهیه‌کنندگی عطا پناهی از جمعه هفتم اردیبهشت‌ماه ساعت ۸ صبح در بخش سینما آنلاین فیلم‌نت اکران خواهد شد. پرویزخان در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر موفق به نامزدی در ۹ رشته شد و سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول، سیمرغ بلورین بهترین تدوین و دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه را دریافت کرد. سعید پورصمیمی، حمیدرضا پگاه، بهنام تشکر، علی باقری، المیرا دهقانی، خسرو احمدی، مهدی قربانی، یاسین مسعودی، محمدصادق ملک، نیما نادری، روزبه رئوفی، یدا... شادمانی، مهدی فریضه، منوچهر علیپور، امیر دانشجو، سیدابوالفضل موسوی، نصیر ساکی، امیرمهدی کوشکی، علی فرحناک، اسکندر کوتی و مریم سعادت بازیگران این فیلم سینمایی هستند. فیلم سینمایی پرویزخان که محصول سازمان هنری- رسانه‌ای اوج با حمایت وزارت ورزش و جوانان است، درباره پرویز دهداری یکی از متفاوت‌ترین مربیان بزرگ تیم ملی فوتبال ایران است و به رویدادهای حول‌وحوش تیم ملی پس از استعفای برخی بازیکنان اصلی تیم در آن مقطع زمانی می‌پردازد.